

کورس بزرگ

در روایت‌های دینی

دکتر حسنعلی پیشاهنگ

نیروی بسیار دادیم» ذوالقرنین و کورش را یک نفر می‌شمارد. دکتر فریدون بدره‌ای در کتاب **کورس در قرآن و عهد عتیق** پس از یکی دانستن کورش و ذوالقرنین از شیخ محمدباقر کمره‌ای شارح **اصول کافی** کلینی (از کتب چهارگانه‌ی شیعه) روایت می‌کند که: امیرالمومنین علی (ع) خود را مانند ذوالقرنین دانسته و به این همانندی افتخار کرده است.

کورس نزد یهودیان، زرتشتیان، مسیحیان و مسلمانان از جنبه‌ی آسمانی و تقدس برخوردار است. در کتاب **تورات** (اشعیا «ع»، دانیال نبی، حزقیال «ع»، ارمیای نبی) از او به‌عنوان حضرت مسیح، فرستاده‌ی پروردگار، چوپان خدا، شکست‌دهنده‌ی فرعونیان، شاهین خدا، نجات‌بخش و دانشمند خدا نام برده شده است.

در **صحف عزرائی** پیامبر (حضرت عزیر) آمده است: کورش فرمود خداوند به من دستور داده است تا خانه‌ی برای او در بیت‌المقدس بسازم.

ابوریحان بیرونی (قرن ۴ هجری) و غیاث‌الدین خواند میر (قرن ۹ هجری) در کتاب **حیب‌السیر** (ج ۱، ص ۱۳۶) از او به‌عنوان بانی بیت‌المقدس و مسجد الاقصی (یا همان قبله‌ی نخست مسلمانان) نام می‌برند.

در تفسیر قرآن ابوالفتوح رازی آمده است: که خدای تعالی بر زبان بعضی پیغمبران امر کرد پادشاهی از پادشاهان پارس را نام او کورش و او مردی بود مومن.

مسعودی در کتاب **مروج الذهب**، صفحه‌ی ۶۰۶ می‌نویسد:

این خبر در **انجیل** که کورش پادشاه، ستاره را که هنگام مولود عیسی مسیح طالع شده بود، دیده بود... و ما تفصیل این قصه را با آن چه مجوس و نصاری درباره‌ی آن گفته‌اند... در کتاب **اخبار الزمان** آورده‌ایم.

آرامگاه باشکوه کورش بزرگ در پاسارگاد طرحی گیرا، باوقار، متوازن، مقدس و اهورایی دارد. ساختمان این گونه آرامگاه، پیش و پس از آن (به‌جز یک مورد در در اندازه‌ی کوچک‌تر که آن هم از نیاکان یا نوادگان کورش است)، دیده نشده است.

پس از اسلام در دوران پادشاهی اتابکان فارس (در قرن ۷ و ۶ هجری خورشیدی) به‌دلیل جنبه‌ی تقدس آرامگاه، مسجدی در اطراف آرامگاه ساخته، درون آرامگاه هم محرابی از سنگ تراشیده و

□ کورش کبیر اولین پادشاه هخامنشی، افزون بر ایرانیان، به‌دلیل صدور نخستین اعلامیه حقوق بشر نزد همه‌ی جهانیان و دانشمندان (ویل دورانت، ویکتور هوگو، کنت گوبینو، هگل، شاتوبریان، پاپ کلمنتوس ۵، بوسویه، ناپلئون، دانیل روپس، گیرشمن و...) محترم است. در دوران باستان نیز بسیاری از اندیشمندان (مانند افلاطون، فیثاغورث، هروودت، گزنفون، دیودور سیسیلی و...) او را ستوده‌اند.

کورس بزرگ بنا به پژوهش‌های ۱۰۰ ساله‌ی اخیر دانشمندان همان ذوالقرنین (که برخی او را به‌دلیل سخن گفتن خداوند با وی «و قلنا یا ذالقرنین» پیامبر الهی می‌دانند) است که در سوره‌ی کهف (آیات ۸۳ تا ۹۹) در قرآن مجید از او یاد شده است: یسئلونک عن ذالقرنین، قل: ساتلو علیکم ذکرًا. انا مکنا له فی الارض و آتیناه من کل شی سببًا. فاتبع سببًا حتا اذا بلغ مغرب الشمس...

راجع به ذوالقرنین به تحقیقات این محققان باید مراجعه کرد:

مولانا ابوالکلام آزاد مفسر بزرگ قرآن و وزیر فرهنگ هند در زمان گاندی در تفسیر **البیان** (ترجمه‌ی تفسیر سوره‌ی کهف، ترجمه‌ی باستانی پاریزی)، علامه طباطبایی در تفسیر **المیزان**، آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی و ۱۰ نفر از مفسران بزرگ (مانند قرائتی، امامی، آشتیانی، حسنی، شجاعی، عبداله‌ی، محمدی) در **تفسیر نمونه**، سلطان حسین تابنده گنابادی در کتاب **سه داستان عرفانی از قرآن**، آیت‌الله میر محمدکریم علوی در تفسیر **کشف الحقایق** (با ترجمه‌ی عبدالمجید صادق نوبری)، حجت‌الاسلام سید نورالدین ابطحی در کتاب **ایرانیان در قرآن و روایات**، دکتر علی شریعتی در **بازشناسی هویت ایرانی اسلامی**، سید صدر بلاغی در **قصص قرآن**، جلال رفیع در کتاب **بهشت شداد**، دکتر فاروق صفی‌زاده در کتاب **از کورش هخامنشی تا محمد خاتمی**، منوچهر خدایار در کتاب **کورس در ادیان آسیای غربی**، آیت‌الله سید محمد فقیه (استاد اخلاق و عضو مجلس خبرگان دوم)، استاد محیط طباطبایی، حجت‌الاسلام شهید هاشمی‌نژاد، سر احمدخان (بنیانگذار دانشگاه اسلامی علیگر هند).

قاسم آذینی‌فر در کتاب **کورس پیام‌آور بزرگ**، صفحه‌ی ۸۹ می‌گوید: «خواجہ عبدالله انصاری در تفسیر ادبی عرفانی خود در سوره‌ی کهف پس از آیه «انا مکنا له فی الارض = ما او را در زمین

پیرامون آن آیاتی از قرآن به خط ثلث نگاشته‌اند. (دکتر رضامردی غیاث‌آبادی در کتاب نقش رستم و پاسارگاد)

قبله‌نمایی نیز در سنگ در کتاب محراب تراشیده‌اند، در زمان گذشته نوشته‌یی در آرامگاه به‌خط میخی بوده که متن آن، چنین است:

«ای رهگذر، من کورش هستم که پادشاهی جهان را به پارسیان دادم، به مستی خاک که پیکرم را در برگرفته رشک مبر».

پس از اسلام (حدّ اقل هزار سال)، به‌دلیل ندانستن صاحب آرامگاه، آن را به نام‌های مسجد مادر سلیمان (ع)، مشهد مادر سلیمان، گور مادر سلیمان، گور سلیمان (ع)، مشهد ام‌النبی، مقبره‌ی سلیمان (ع) و مشهد مرغاب نامیده‌اند. هم‌چنین بر روی تپه‌ی مشرف به آرامگاه باقی‌مانده یک دژ موجود دارد که به‌نام تخت سلیمان معروف است.

حاج میرزا حسن فسائی (در کتاب فارس‌نامه‌ی ناصری، ص ۳۰۱) می‌نویسد: «مشهد محل شهادت و قبر انبیا و اولیا و بزرگان دین را گویند و چون این بلوک را مشهد ام‌النبی گفتند و چون عجم حضرت سلیمان (ع) و جمشید را یک‌نفر و پیامبر دانسته‌اند، آن را مشهد مادر سلیمان نیز گفته‌اند» که در هر صورت (چه سلیمان نبی، چه مادر او، چه جمشید و چه کورش) نشان‌دهنده‌ی الهی و سپندبودن صاحب آرامگاه است.

در دشت مرغاب در پاسارگاد، نقش برجسته‌یی از کورش کبیر باقی‌مانده است که هم‌چون فرشتگان، با بال‌هایی آسمانی تراشیده شده است.

نکته‌ی جالب این است که ایرانیان از زمان باستان تاکنون این پیکره را مقدس می‌دانند و با این‌که پیکره‌های دیگر در سراسر ایران در اثر نادانی آسیب دیده است، هیچ‌کس جرات نداشته به این پیکره‌ی اهورایی آسیب برساند. هنوز هم تصور مقدس بودن این پیکره در میان مردم بومی باقی‌ست (دکتر بهرام فره‌وشی در کتاب ایران‌ویج). مردم محلی دستان او را رو به قبله و در حالت نیایش می‌دانند.

تا چند دهه‌ی پیش، مراسم روز تاسوعا و عاشورای حسینی اهالی دشت مرغاب در دورادور آرامگاه پاسارگاد انجام می‌شد و مردم منطقه نذرهای خود را تقدیم آرامگاه می‌کردند و آن را همانند امام‌زاده‌ها با پارچه‌های رنگی و قفل می‌پوشاندند (دکتر باستانی یاریزی، در کتاب کورش ذوالقرنین). آب رودخانه پلوار نیز همیشه آبی مقدس و شفاف‌بخش به‌شمار می‌آمد. (دکتر علی‌رضا شاپور شهیازی در کتاب پاسارگاد)

دکتر جمشید صداقت‌کیش در ویژه‌نامه‌ی فصلنامه‌ی **فارس شناخت** در نوشتار مسجدهای فارس در صفحه‌ی ۸۸ می‌نویسد: در روایت‌های اسلامی هم از مقدس و آسمانی بودن این جایگاه سخن بسیار رفته است، از جمله در کتاب‌های زیر:

- ۱- **مسالک و ممالک** (اصطخری به سال ۳۲۰ هجری) صفحه‌های ۱۰۹ و ۱۴۱
- ۲- **حدود العالم من المشرق الی المغرب** (نوشته شه به سال ۳۷۲هـ)، صفحه‌ی ۱۳۱
- ۳- **اشکال العالم** (ابوالقاسم جیهانی به سال ۳۶۷ هـ)

صفحه‌های ۱۱۳ و ۱۲۳

۴- **نزهت القلوب** (حمداله مستوفی به سال ۷۴۰هـ)، صفحه‌ی ۱۷۸ در کتاب **شیرازنامه** نوشته‌ی زرکوب شیرازی (سال ۷۴۰هـ) در صفحه‌ی ۱۴۴ آمده است:

«نقل است که: شیخ محمد بن یزید عروس (هم‌زمان با مامون ۲۱۸ - ۱۹۸ هـ.ق) نقل فرمود که در عهد او جمعی از زهاد و عرفا بیت‌المقدس به شیراز آمدند و طلب متصوفه و ائمه‌ی شیراز می‌کردند. ایشان را به من حواله کردند. سوال کردم که سبب آمدن شما به این طرف چه بود و باعث این نهضت چیست؟ گفتند که: ما در بعضی از اخبار خوانده‌ایم که در شیراز به طرف حومه شهر مسجدی هست که آن را مسجد سلیمان [یا همان آرامگاه کورش] می‌گویند و در بعضی کوهستان که در برابر مسجد است، چشمه‌یی هست و آن به چشمه‌ی مرغان [یا همان دشت مرغاب] مشهور است. سلیمان نبی آن مسجد بنا کرده و آن چشمه از آثار قدم او پدیده آمده. هر کس که در آن آب وضو سازد و در آن مسجد دوگانه‌یی بگذارد، حق سبحانه و تعالی حاجات دین و دنیایی او برآورده گرداند. ما به این بیت متوجه گشتیم تا زیارت مسجد دریابیم».

در پایان بد نیست نگاهی داشته باشیم به گفتار استاد ابراهیم پورداود (کتاب ذوالقرنین و کورش از محمدکاظم توانگرزمین) هر ایرانی شایسته است که یک‌بار هم به زیارت کورش که پایگاه ملیت ایرانی‌ست خود را برساند. نه فقط به‌خاطر ایرانی بودن، بلکه به جهت زیارت فردی که قرآن بیش‌ترین تعریف (۱۷ آیه) در مورد یک زمامدار را از او کرده است. ■

